

اعتراض هنرمندان به سانسور فلسطین

۱۳۰۰ هنرمند با انتشار بیانیه‌ای به نهادهای فرهنگی غربی درباره سانسور فلسطین اعتراض کردند. این بیانیه که به امضای بیش از ۱۳۰۰ هنرمند و چهره فرهنگی، از جمله اولیویا کلمن، هریت والترو جولیت استیونسون رسیده، موسسه‌های هنری در کشورهای غربی را به «سرکوب‌کردن، خاموش‌کردن وانگ‌زدن» به حامیان فلسطین متهم کرده است. در این بیانیه آمده است: «در مقام هنرمند، ما نمی‌توانیم در مقابل

چنین نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین‌المللی سکوت کنیم.» این هنرمندان استانداردهای دوگانه غرب در زمینه حقوق بشر را محکوم کرده و گفتند: «این موضوع به‌شدت ناراحت‌کننده است و صراحتاً نمایانگر یک استاندارد دوگانه آزاردهنده؛ آن همبستگی و همدردی که به‌آسانی به سایر مردمی که با تبعیض و ظلم وحشیانه مواجهند ابراز می‌شود، از فلسطینی‌ها دریغ شده است.» این هنرمندان با انتقاد از



گفت‌وگو با امیر بشیری، کارگردان نمایش کلنل

آموزش وطن‌پرستی به نسل

به‌عنوان نویسنده، می‌دانستیم که این نمایش با موسیقی خیلی درهم تنیده می‌شود. به هرحال شخصیت اصلی ما خیلی با موسیقی درآمیخته بود. محمدتقی‌خان پسیان موسیقی می‌دانست، خودش پیانو می‌زد، آثار آلمانی را ترجمه می‌کرد، هزار گاهی شعر می‌نوید و به‌طور کلی با موسیقی غریبه نبود. در کنار آن، او دوست‌های هنرمندی مثل عارف قزوینی دارد که همواره با او بود و حضورش در اثر جدی است. ما ابتدا فقط قزوینی را در کسوت بازیگر آوردیم اما به مرور ایده عوض شد و بهتر دیدیم تصنیف‌های نمایش را به جای خواننده، همان بازیگر بخواند و در این خصوص کسی که می‌توانست این تصنیف‌ها را بخواند یک خواننده حرفه‌ای بود. محمد معتمدی اولین گزینه‌ای بود که به ذهن‌مان آمد. معتمدی اولین کسی بود که برای این پروژه با او صحبت کردیم. لذا در پاسخ به سؤال شما باید بگویم ارائه ما در جهت جلب‌نظر مخاطب یا به عبارتی بهتر چون مخاطب‌پسند بودن نبود، بلکه یک‌سری فاکتورها ما را به سمت ارائه اثر با موسیقی هل داد یعنی حتی از ابتدا هم برنامه ما نبود که به خاطر جذب مخاطب بیشتر موزیکال کار کنیم، ما با یک‌سری فاکتور به آن رسیدیم.

این موضوع نشان می‌دهد شما توجه ویژه‌ای به عارف قزوینی

در نمایش داشتید اما متأسفانه یکی از نقاط کم‌رنگ نمایش هم چگونگی پرداخت به این شخصیت به‌عنوان مشاور فرهنگی کلنل بود. این در حالی است که ما همیشه داد می‌زیم هنر فرهنگ‌ساز است و اگر می‌خواهیم توسعه پایدار را در هر حوزه‌ای داشته باشیم، باید ابتدا فرهنگ را ارتقا دهیم. این کلید اصلی کارهای پسیان بود چرا در نمایش به خوبی به آن اشاره نشد؟

قبل از پاسخ به سؤال تان باید بگویم زندگی عارف قزوینی به‌نظم جداگانه یک اثر می‌تواند باشد و باید به آن توجه کرد. عارف در دورانی از زندگی است که حالش خوب بوده، چون بعد از شهادت محمدتقی پسیان به‌شدت گوشه‌گیر می‌شود. عارف یک تکمیل‌کننده بخشی از ابعاد عملکردی محمدتقی پسیان است حتی در جایی می‌گوید می‌خواهم اثرنومندان پول بگیرم و جایی را آباد کنم. خیلی همراه محمدتقی است و ما برپخش‌های کم اما تاثیرگذار حضور عارف تمرکز کردیم. حرف شما را قبول دارم و نمی‌خواهم بهانه بیاورم، چون حرف درستی است ولی از منظر اجرا باید توضیح بدهم من یک مدیوم دارم که محدودیت‌هایی دارد و نمی‌توانم به همه چیز متمرکز شوم مثلاً در درام ما زول اسमित بهادر آدم خیلی مهمی در زندگی پسیان است او به خونخواهی‌اش بلند می‌شود اما

پایان می‌رساند. این برتر به‌نظم الان در یک فضای خاص قرار نمی‌گیرد و همین وجهه ملی برای من و نویسنده اثر از ابتدای طرح نمایش مهم بود. ضمن این‌که وقتی آثار ما مرور می‌کنیم معمولاً چند بستر در آن پرتنگ است: بستر اجتماعی، تاریخی و خانوادگی. آثار معمولاً زمان و مکان نمی‌شناسند به نحوی که در ایتالیا و اسپانیا هم اجرامی شوند و مخاطب دارند. کلنل هم همین فضا را دارد؛ هم در بستر خانوادگی، تاریخی و اجتماعی روایت می‌شود اما به هرحال یکی از اتفاقات مهم زندگی‌اش در مشهد شکل می‌گیرد و از آنجا که دغدغه شخصی خودم توجه به تاریخ معاصر است، تصمیم گرفتم درباره بازه زمانی زندگی محمدتقی‌خان پسیان نمایش تولید کنیم که یکی از برالتهاب‌ترین و دراماتیک‌ترین و در عین حال حساس‌ترین برهه‌های تاریخ معاصر است و متأسفانه کم دربار‌اش اثر هنری تولید شده است.

عموماً کارگردانی که در حوزه تاریخ ورود یا اثرشان برتره است سعی می‌کنند در بستر تئاتر مستند کار کنند، شما یک نمایش موزیکال را روی صحنه بردید، چه شد که احساس کردید این شیوه در معرفی کلنل پسیان به مخاطب مؤثر است؟

خودم علاقه‌ای به این ندارم که نمایش را موزیکال عنوان کنم، چون در تعریف موزیکال نمی‌گنجد. در حقیقت موضوع نوع ارائه و بسته‌بندی است. مهم این است که بتوانیم قصه و روایت و آنچه مدنظر است را بدون هیچ‌گونه قضاوتی با نگاه مستقل ارائه دهیم. در طراحی نمایش، از ابتدای خلق ایده، من به‌عنوان کارگردان و محمد تقایی

«...من ایران و ایرانی را نه فقط دوست داشته، بلکه پرستش می‌کنم... مرا اگر بکشند، قطرات خونم کلمه ایران را ترسیم خواهد کرد و اگر بسوزانند، خاکستر من نام وطن را تشکیل خواهد داد. قدمی برخلاف رضای خدا و صلاح مملکت برنداشتم... به تصدیق دوست و دشمن عفت و شرافت سربازی را همیشه محفوظ داشته‌ام... من نخستین فردی هستم که حساب و‌جوه دریافتی‌ایم تصدی خود را به میل و رضای خاطر خود پس داده و از بودجه مصوبه ایالتی فقط آن مقدار به خرج آوردم که استحقاقش را داشتم و برای پرداخت مستمری‌های فقرا و ضعفا لازم و واجب بود، برای اولین دفعه اعانه‌ای که برای قشون گرفته می‌شد به همان مصرف خودش رسانده...».

اینجا بخشی از دفاعیه محمد تقی‌خان پسیان، فرمانده ورزیده و مجرب ژاندارمری است که در اوان حکومت رضاخانی، جان خود را در راه آرمان‌هایش گذاشت و حالا پس از سال‌ها با اجرای نمایش «کلنل» اثر امیر بشیری بار دیگر نامش زنده شد. درخصوص این نمایش و تمایل کارگردان برای به روی صحنه بردن آن گفت‌وگویی با امیر بشیری انجام دادیم.

پس از نمایش باغ خونی که بر قتل‌عام ناجوانمردان در گوهرشاد متمرکز بودید، این بار یکی دیگر از رویدادهای تاریخ معاصر مشهد را زیر ذره‌بین بردید. تمرکز بر این رویدادها اتفاقی است یا امیر بشیری کارپروژه هنری و نقشه راهی برای معرفی رویدادهای شهر خود دارد؟

قبل از هر چیز باید بگویم محمدتقی‌خان پسیان به لحاظ شخصیتی مربوط به یک خطه خاص نیست، ایشان متولد تبریز است، مدت‌ها در همدان بود و رشادت‌هایی در همدان و کرمانشاه دارد که تاحدودی در نمایش توضیح می‌دهیم. به خاطر شرایطی وارد برلین می‌شود و اولین خلبان کشور لقب می‌گیرد، به ایران باز می‌گردد و مدتی در تهران زندگی می‌کند. در نهایت به عنوان فرمانده ژاندارمری خراسان آن زمان دوران خدمت را با نثار خون به



گپ

علی عطایی: معرفی کلنل پسیان باعث وفاق می‌شود

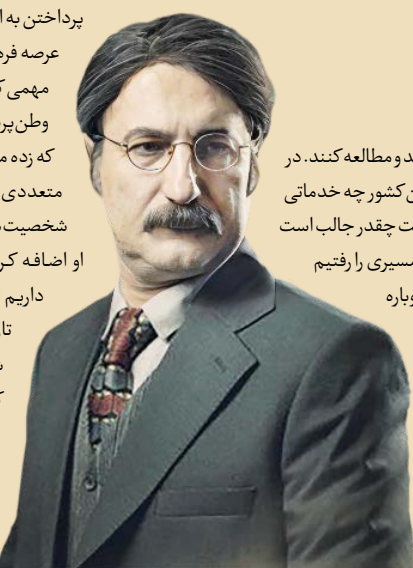
علی عطایی در نمایش «کلنل» در دو نقش معتمد السلطنه و نایب التولیه آستان قدس رضوی ظاهر شد. وقتی از او درخصوص ویژگی‌های شخصیتی محمدتقی پسیان پرسیدم، گفت: من از کودکی با این شخصیت آشنا بودم. دایی‌ام در دوران نوجوانی یک سری از این بزرگان را به من شناساند و از لطف ایشان این افتخار را پیدا کردم که کلنل پسیان و عارف قزوینی را بشناسم. کلنل پسیان یک جوان خستگی‌ناپذیر، آزادیخواه، مبارز و در نوع خودش متخصص بود. پیوهه عمرش را هدر نداده بود، مدارج دانش روز را در اختیار داشت، چند زبان می‌دانست، خلبان و دانش‌آموخته نظامی بود. در خراسان شناخت خوبی از مدیریت داشت. ایرانیان در آن برهه زمانی که درگیر ندانم‌کاری‌های حکومتی بودند به این‌گونه آدم‌ها نیاز داشتند، گرچه روزگار سختی برای کار کردن چنین آدم‌هایی بود.

از او درخصوص تاثیر این نمایش روی مخاطب پرسیدم، گفت: جامعه هدف تیم اجرایی در این نمایش، جامعه متوسط به پایین بود. بافت تماشاگر را که نگاه می‌کنم بیشتر از کسانی هستند

که از تاریخ معاصر خبر ندارند و این باعث می‌شود دنبال آن بروند و مطالعه کنند. در حقیقت این نمایش یک جرقه بود که مردم بداندند قهرمانان این کشور چه خدماتی داشته‌اند. در طول اجرای نمایش، یکی از دوستان به من می‌گفت چقدر جالب است که برخی مطالبات صد سال پیش را ما هنوز هم داریم، ما یک مسیری را رفتیم بهترین جوان‌های مان را نثار کردیم و خون دادیم، چرا باید دوباره یک مسیر را طی کنیم؟ به هرحال یکی از مشکلات ما این است که از گذشته خودمان کمتر خبر داریم، مطالعه نداریم و این‌گونه آثار بسیار در این زمینه کمک می‌کنند. به عطایی گفتم به نظر شما با وجود این اهمیت، چرا هنرمندان در آثارشان زیاد به قهرمانان توجه نمی‌کنند، گفت: این سؤال جوابش دردناک است. اولاً کار سختی است، ما آدم متخصص، آگاه، باسواد و کتاب‌خوانه برای

پرداختن به این شخصیت‌ها کم داریم، دوم این‌که متأسفانه محدودیت‌هایی در عرصه فرهنگ و هنر داریم که باعث می‌شود ما سراغ خیلی از شخصیت‌های مهمی که دست‌گذاشتن روی هر کدام، باعث وفاق ملی می‌شود و وطن‌پرستی را تبلیغ می‌کند نرویم. متأسفانه با وجود تبلیغات و حرف‌هایی که زده می‌شود در عمل سرمایه‌گذاری خاصی برای آن وجود ندارد، آدم‌های متعددی در عرصه سینما و تئاتر می‌شناسم که با وجود عشقی که به این شخصیت‌ها دارند، نمی‌توانند کار کنند. موانع زیاد هست.

او اضافه کرد: متأسفانه ما درخصوص قهرمانان مان عملکرد بسیار ضعیفی داریم این در حالی است که غربی‌ها فیلم «سیصد» را می‌سازند و در یک تاریخ‌نگاری جعلی، القا می‌کنند که سیصد یونانی، سپاه خشایار شاه را شکست می‌دهند آنها تاریخ را جعلی می‌سازند و ما فقط نگاه می‌کنیم، کشورهای همسایه ارزشمندترین دارایی‌های فرهنگی ما را می‌زدند و با آن کاسبی می‌کنند و ما فقط نگاه می‌کنیم. معرفی اینها می‌تواند باعث افتخار ما شود، باعث شود به بسیاری از اشتباهات گذشته بی‌بیریم و همچنین موجب ایجاد وفاق بین مردم شود و اینها اهمیت کار را نشان می‌دهد.



«عزت‌الحاجیه مادرانی است که فرزندان‌شان، مجاهدان‌شان، حتی اگر از شاه‌کلیدهای نمایش کلنل به که بی‌شک در آموخت. الهه می‌کند. او در گ خانم»

صحنه

آغاز اجرای نمایش «شنگرف»

نمایش «شنگرف» به‌نویسندگی و کارگردانی علی بدالهی از امروز در تئاتر شهر روی صحنه می‌رود. شنگرف، تازه‌ترین نمایش گروه تئاتر دژاوو است که در جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی سال جاری

حضور داشت و از امروز ساعت ۲۰ اجرای خود را در سالن سایه تئاتر شهر آغاز می‌کند. نمایش شنگرف، داستان سیاوش و سودابه را با استفاده از تکنیک‌های ادعای تئاتر عروسکی و تلفیق آن با شیوه‌های نمایش ایرانی به نمایش می‌گذارد. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: «آنجا که قضاوت به آتش سپرده شود، شروع داستان سیاوش است.» بهرام بهبهانی، بازیگر و بازی دهنده عروسک در این نمایش یک ساعته است که همه نقش‌ها را به تنهایی ایفا می‌کند. بردیادالهی (دستیار کارگردان)، مهتاب زارع (مدیر صحنه)، زهرا شایان‌فر (مسئول روابط عمومی)، رضا خضرائی (طراح نور)، الناز حجاززاده (عکاس)، محسن زربادی پور (مسئول صدا)، علی بدالهی (طراحی صحنه)، محسن گودرزی (طراحی حرکت) و شهرام تجاتی (موسیقی) دیگر عوامل این نمایش هستند.



رویداد

فراخوان هفدهمین جشنواره ملی تئاتر رضوی

فراخوان هفدهمین جشنواره ملی تئاتر رضوی از سری برنامه‌های بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی امام رضا (ع) با محوریت اجرای عمومی آثار نمایشی در دهه کرامت ۱۴۰۲ منتشر شد. فراخوان این دوره جشنواره با هدف اشاعه فرهنگ منور رضوی در سطح جامعه

از طریق گسترش فعالیت‌های فرهنگی و هنری و حمایت از هنرمندان عرصه تئاتر دینی کشور منتشر شده است. موضوعات تأکید‌شده در فراخوان معرفی ابعاد دینی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شخصیت امام رضا (ع)، تبیین فرهنگ و سبک زندگی رضوی و تأثیر آن در زندگی معاصر، ترویج حکمت‌ها و آموزه‌های فلسفی و اخلاقی امام رضا (ع)، خودشناسی و خداشناسی از دیدگاه امام رضا (ع)، همراهی با مردم و ایجاد نشاط و پویایی در جامعه در مکتب رضوی و ائمه اطهار علیهم‌السلام، بهره‌گیری از فرهنگ عامه و آیین‌های رضوی مناطق مختلف کشور، ارتباط ادیان و مذاهب و مردم سایر ملل با امام رضا (ع) و فرهنگ رضوی و ابعاد شخصیتی و معنوی حضرت معصومه (س) اعلام شده‌اند. شیوه برگزاری این دوره از جشنواره، غیرمتمرکز و با محوریت اجرای عمومی آثار خواهد بود. مطلقاً گامشمار جشنواره آخرین مهلت ارسال نمایشنامه‌های پیشنهادی د۵ی ۱۴۰۲ خواهد بود.



تصنیف وداع با صدای معتمدی

حضور محمد معتمدی، خواننده شناخته‌شده در نمایش «کلنل» یکی از نقاط قوت این اثر نمایشی است. معتمدی که پیش از این آواگر مولانا در اپرای مولوی، آواگر کر در اپرای عاشورا، آواگر حافظ در اپرای حافظ و آواگر خیام در اپرای خیام و آواگر سعدی در اپرای سعدی بوده در این نمایش برای اولین بار روی صحنه تالار وحدت، علاوه بر خوانندگی تصنیف‌های مختلف در نقش عارف قزوینی نیز ظاهر شده است. موسیقی این نمایش که به شیوه ارکسترال با ارکستری مجلسی روی صحنه می‌رود با همراهی صدای دلنشین معتمدی، مخاطبان این نمایش را سحر می‌کند.

قاب

